

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب راهنما و سوالات امتحانی

حقوق جزای خصوصی اسلامی

تألیف و گردآوری

جواد احمدوند

پیدار

سرشناسه	احمدوند، جواد، ۱۳۶۸ - پدیدآور، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	کتاب راهنما و سوالات امتحانی حقوق جزای خصوصی اسلامی/تالیف و گردآوری جواد احمدوند
مشخصات نشر	کرج: پیدار، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	۹۴ ص
شابک	۷۰۰۰۰ ریال ۳-۴۹۳-۸۷۶۵-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	حقوق جزا (فقه) -- راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع	(Criminal law (Islamic law) -- Study and teaching (Higher
موضوع	حقوق جزا (فقه) -- آزمونها و تمرینها (عالی)
موضوع	Criminal law (Islamic law) -- Examinations, questions, etc. (Higher
رده بند کنگره	BP۱۳۹۶۱۹۵ ۷ح۳الف/
رده بند دیوبند	۳۷۵/۳۹۷
شماره کتابخانه ملی	۴۹۰۴۸۱۷



کتاب راهنما و سوالات امتحانی حقوق جزای خصوصی اسلامی

تالیف و گردآوری: جواد احمدوند

چاپ و صحافی: پیشگام

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰ جلد

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

مرکز پخش: انتشارات پیدار

آدرس: رجایی شهر خ هفتم غربی فاز ۲-۱-۹۰

تلفن: ۰۲۶-۳۴۲۱۰۵۰۷-۳۴۲۱۰۵۰۳

سفرشات: ۰۹۳۷۸۱۳۸۶۵۸

www.hamrah-pnu.ir - www.pidar.ir

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مقدمه ناشر

دانشجوی عزیز!

پس از انتشار کتاب‌های کمک آموزشی همراه در رشته‌های مختلف و استقبال بی‌نظیر دانشجویان، گروه علمی همراه در طرحی جدید اقدام به انتشار مجموعه کتاب‌های نکات کلیدی و بانک آزمون توسط اساتید باسابقه دانشگاه‌های کشور نمود. این سری کتاب‌ها با هدف استفاده کامل و بهینه برای دانشجویان دانشگاه پیام نور و سایر موسسات آموزش عالی کشور تهیه گردیده است. در این کتاب‌ها سعی گردیده که حجم کتاب به گونه‌ای تنظیم گردد تا نکات کلیدی کتاب را به طور کامل پوشش دهد. همچنین سوالات امتحانی چند دوره گذشته برای مرور دانشجو و آشنایی و آمادگی برای امتحان نهایی با پاسخ کاملاً تشریحی قرار گرفته است. هدف ما در این سری از کتاب‌ها کیفیت، قیمت مناسب، حجم قابل قبول و نیز مفید و موثر بودن کتاب برای دانشجو بوده است.

نکته حائز اهمیت در کتاب‌های «نکات کلیدی و بانک آزمون» همراه این است که این کتاب‌ها در هر نیمسال تحصیلی با درج سوالات آخرین دوره امتحانی، به‌روزرسانی می‌شود. مدیریت کتاب‌های «نکات کلیدی و بانک آزمون» انتشارات «کمک آموزشی» همراه، زیر نظر چند تن از اساتید صاحب‌نظر دانشگاه پیام نور بوده و هدف این نهایت دانشجو و استفاده موثر از آن می‌باشد. از اساتید و دانشجویان عزیز خواهشمندیم که نظرات سازنده خود ما را در بهبود و ارتقای سطح کیفی این کتاب‌ها یاری فرمایند.

کتابهای همراه با توجه به ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان صرفاً گردآوری مطالب می‌باشد. در موارد استثنای (مواد قانونی یا نظریه‌ها و...) که می‌بایست عیناً بدون کم و کاست و تغییر آورده شود نگارش گردیده است.

پیروز و سربلند باشید

بخش اول

۱.....مقدمه و نکات کلیدی

بخش دوم

۱۳.....قصاص

بخش سوم

۶۱.....دیات

۳۳.....سوالات تشریحی ۱

۴۱.....سوالات تشریحی ۲

۴۹.....سوالات تشریحی ۳

۵۷.....سوالات تشریحی ۴

۶۵.....سوالات تشریحی ۵

۷۳.....سوالات تشریحی ۶

۸۱.....سوالات تشریحی ۷

مقدمه

اسلام مجازات را تعدیل کرده و به مجازات جهت اخلاقی داده است. شیخ انصاری اولین فقیهی است که به تفاوت مفهوم «حق» و «حکم» توجه داده است و خودش در تفاوت آنها فرمودند: حق به ارث گذاشته می‌شود، اما حکم به ارث داده نمی‌شود. همچنین حق قابل اسقاط است و حکم قابل اسقاط نیست.

امام خراسانی می‌فرماید: «لَا يُلْغَىٰ بِهٖ حَقُّ اللَّهِ تَعَالَىٰ عَلَيْهِ نِزَاجُ حَقِّ رَأْيِ عَرَضٍ مَّالِكِيَّةٍ وَ سُلْطَنَتِ مِثْلِهِ». حکم وضعی لزومی که فسخ قبول نمی‌کند مانند عقد ازدواج که جز در بعضی موارد فسخ ازدواج ممکن نیست.

حکم وضعی ترخیصی که قابل اسقاط می‌پذیرد، مانند حق شفعه و حق خیابان که صاحب حق می‌تواند از حق خودش دست بردارد و حق خودش را اسقاط نماید.

حکم وضعی ترخیصی که قابل اسقاط نیست، مانند جواز که در عقد هبه و بخشش وجود دارد، جایز بودن عقد هبه یک حکم تعللی شرعی است که قابل اسقاط نیست و نمی‌شود جواز هبه را از بین برد.

مقصود از ترخیصی این است که مکلف نسبت به اقدام کردن یا نکردن آن رخصت و اجازه دارد، اگر خواست از حق خودش استفاده می‌کند و اگر نخواست استفاده نمی‌کند.

در تعریف حق الناس می‌توانیم بگوییم: «آن چیزی است که برای انسان مجاز است، حق الناس نامیده می‌شود.

مرز میان حق الله و حق الناس این است که تبرئه مردم، سبب تبرئه مجرم نشود، آن چیز حق الله است، و اگر توبه سبب تبرئه مجرم نشود، آن چیز حق الناس است. براساس این معیار آن جرائم و گناهانی که برای حد یا تعزیر تعیین گردیده که به توبه نفوذ و کیفر او ساقط می‌شود، حق الله هستند.

حد و مفهوم وضعی و لغوی به معنای «منع کردن» است. و در اصطلاح حقوق جزایی اسلام حد مجازاتی است که مقدار آن مشخص باشد، چنانکه محقق حلی در تعریف آن گفته‌اند:

«كُلُّ مَالَةٍ عَقُوبَةٍ مُّقَدَّرَةٍ بِمِثْلِ حَدٍّ»



شمس الدین سرخسی که از فقهاء حنفی مذهب است در تعریف حد گفته‌اند:
یعنی: در شرع حد اسم است برای مجازاتی که مقدار آن مشخص است و آن مجاز واجب است، به جهت حق الله تعالی به همین دلیل تعزیر را حد نمی‌نامند، چونکه مقدار آن مشخص نیست، و قصاص را حد نمی‌گویند برای اینکه قصاص حق الناس است.
براساس تعریف فقهی که از حد شده است، دو نکته مهم و قابل دقت به‌دست آمده که عبارتند از:

(الف) حد اسم کیفری است که در حقوق جزایی اسلام مقدار آن مشخص است و آن مقدار قطعی و غیر قابل تغییر می‌باشد.

ب. حد کیفری است که بر بدن مجرم، اجراء می‌شود یعنی به‌عنوان ایجاد الم و درد بر بدن مجرم می‌رسد. اینک حد، به قتل رساندن مجرم است، و تبدیل آن به زندان نمودن مجرم با گرفتن وجهی نقدی جایز نیست، و در حقوق جزاء اسلام، بدل و عوضی برای حد ذکر نشده است، لذا نابل، تبدیل به چیزی نیست.

اهل لغت برای کلمه «عزر» که مصدر باب تفعیل و از ریشه «عزر» و از مصدر ثلاثی «العزر» است چند معنی گفته‌اند عبارتند از: تعظیم و توقیر منع نمودن برگرداندن ادب کردن و توقیف نمودن. در حقوق جزایی اسلام از تعزیر همان ادب کردن را اراده نموده‌اند.
(۱) تعزیر در طرف کم مقدار معین ندارد، اما در طرف زیاد مقدار آن مشخص است که به مقدار «حد» نرسد. بسیاری از اهل سنت رسالت تعزیر در طرف زیاد به مقدار حد را جایز می‌دانند.

(۲) آزاد و غلام در کیفر تعزیری مساوی هستند.

(۳) کم و زیاد تعزیر براساس بزرگی و کوچکی جنایت مشخص می‌شود، حد صرف انجام جرم برای اقامه کفایت می‌کند.

(۴) اقامه تعزیر تابع مفسده است اگرچه آن فعل گناه نباشد، مانند تربیت نکردن کودکان، چهارپایان و دیوانگان که به انگیزه اصلاح آنها انجام می‌گیرد.

(۵) هرگاه معصیت حقیر و کوچک باشد، مستحق تعزیر حقیر و کم است که البته آن تعزیر اثری ندارد.

(۶) جرائم تعزیری با توبه ساقط می‌شود، و در سقوط بعضی حدود با توبه، میان فقهاء اختلاف است، ظاهراً حدود فقط با توبه‌ای که پیش از شهادت گواه باشد، ساقط می‌شود.



(۷) حاکم شرع در اقامه انواع تعزیر مختار است یعنی اختیار دارد که هر یک از انواع تعزیر را اراده کرده اقامه نماید، اما در اقامه حدود - جز در حد محارب - اختیار در انتخاب ندارد.

(۸) تعزیر بر حسب فاعل، مفعول و جنایت تفاوت پیدا می‌کند و حدود بر حسب آنها تفاوت پیدا نمی‌کند.

(۹) اگر بابت‌ها نسبت به عرف شهرها متفاوت باشد (یعنی گفتار یا کرداری در شهر اهانت محارب شود و در شهر دیگر اهانت نباشد) عرف هر شهر در تشخیص و درک اهانت ملاحظه می‌گردد. (اما در جرائم حدی نظر شرع مطاع است).

(۱۰) تعزیر نسبت به مردم، بر اینکه حق الله باشد - مانند دروغ - و حق الناس باشد - مانند فحش کشی - بر حق الله و حق الناس باشد - مانند جنایت بر نیکان از در گذشتگان به وسیله دجاش به آنها متنوع گردد، اما امکان ندارد که حد گاهی برای حق الله باشد، و گاهی برای حق الناس باشد، بلکه حد تماماً برای حق الله می‌باشد. شهید اول نیز گفته است: بعضی از ما امامیه کتک زدن کودکان و دیوانگان را تأدیب نامیده‌اند.

اسباب حدود و تعزیرات

دیدگاه شریعت نسبت به اسباب حدود و تعزیرات از نظر حقوق حلی چنین است: یعنی: اسباب حد شش چیز است که عبارتند از: ۱- زنا، ۲- زانی که متهم به زنا هستند، ۳- قذف، ۴- شراپخواری، ۵- دزدی، ۶- راهزنی. اسباب تعزیرات چهار چیز است که عبارتند از: ۱) خروج بر حکومت اسلامی، ۲) ارتداد، ۳) آمیزش چهارپایان، ۴) مرتد شدن گناهان دیگری غیر از موارد مذکور.

اسباب تعزیر را شهید اول یک چیز می‌داند، که عبارت است از هر گناه که کیفر معین برای آن ذکر نشده باشد. بر این اساس اسباب حدود محدود و مشخص است، ولی اسباب تعزیر ارتکاب محرمات الهی است.

تمامیت شریعت برای حفظ پنج چیز است که عبارتند از: دین، جان، عقل، نسب، مال. این پنج چیز از اموری هستند که هر شریعتی باید برای حفظ آنها باشد.